



ترجمہ قرآن کریم

۱

نظام الدین حسن بن محمد نیشابوری

تصحیح و ترجیح

دکتر محمد ذوقلی

مفتی اعظم پاکستان اسلامیہ



عنوان قراردادی	: قرآن. فارسی Qur'an. Persian
عنوان و نام پدیدآور	: ترجمه قرآن کریم / از نظام‌الدین حسن بن محمد نیشابوری ؛ تحقیق و تصحیح محمد دزفولی.
مشخصات نشر	: تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	: ۷۳۶ ص.
شابک	: 978-600-220-291-8
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
شناسه افزوده	: نظام‌الاعرج، حسن بن محمد، ۷۲۸-؟ق.، مترجم
شناسه افزوده	: دزفولی، محمد، ۱۳۳۵ -، مصحح
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۷ ن/۶۶/۶۵۹ BP
رده بندی دیویی	: ۲۹۷/۱۴۱
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۲۰۶۰۵۰

ترجمه قرآن کریم

از

نظام‌الدین حسن بن محمد نیشابوری

(زنده در ۷۲۸ق)

تحقیق و تصحیح

دکتر محمد دزفولی

کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی

تهران - ۱۳۹۷



ترجمه قرآن کریم

از

نظام‌الدین حسن بن محمد نیشابوری

(زنده در ۷۲۸ق)

تحقیق و تصحیح:

دکتر محمد دزفولی

شماره انتشار ۴۵۷

ناظر فنی نیکی ایوبی‌زاده

صفحه‌آرا محمود خانی

چاپ اول ۱۳۹۷

شمارگان ۵۰۰

بها ۵۰۰.۰۰۰ ریال

شابک 978-600-220-291-8

تمامی حقوق چاپ و نشر این اثر در انحصار کتابخانه، موزه و مرکز
استاد مجلس شورای اسلامی است.

انتشارات و توزیع:

تهران: میدان بهارستان ابتدای خیابان آجانه؛

تلفن: ۸-۳۳۵۴۸۱۴۶

نشانی سایت اینترنتی: www.lcal.ir

نشانی پست الکترونیکی: Pajooheshlib@yahoo.com

به نام صورت‌آرای معانی

ایرانیان، از روزگاران قدیم، تشنه درک مفاهیم و معانی قرآنی بودند و از همان زمان که پارسی دری، گفتارها و نوشتارها را به کلمات و جملات خود، زیور بخشید، ترجمه مصحف شریف، مورد توجه و اهتمام فضلا و علمای دینی قرار گرفت و بدین ترتیب، نهضت ترجمه و تفسیر کلام‌الله، از زمان نخستین ترجمه شناخته شده قرآن کریم، یعنی ترجمه تفسیر طبری در سده ۴ ق شکل گرفت، تداوم یافت و به یک جریان پویا در بستر فرهنگی مسلمانان فارسی زبان، تبدیل شد.

وجود ترجمه‌های متعدد قرآن کریم که در قلمرو گسترده جهان اسلام، از ایران، فرارود تا شبه قاره هند، انجام شده، حاکی از دلبستگی مسلمانان فارسی زبان به کتاب مقدس الهی، و اشتیاق به درک معارف زلال آن است.

بررسی ترجمه‌ها و تفسیرهای قرآن، بویژه ترجمه‌های کهن آن که در سده‌های ۴ تا ۶ ق تحقق یافته است، همچون ترجمه تفسیر طبری، ترجمه قرآن موزه پارس، تفسیر شتقشی، تفسیری بر عשרی از قرآن مجید، تفسیر کمبریج، تفسیر قرآن پاک و از نظر شناخت تاریخی زبان فارسی و آگاهی به تحولات ساختاری آن، بسیار پراهمیت است و درواقع می‌توان گفت که ترجمه‌ها و تفاسیر قرآن مجید، از نخستین گنجینه‌های متون فارسی به شمار می‌روند که بر غنای زبان فارسی افزوده‌اند و دامنه واژگانی آن را گسترده‌اند.

در کتابخانه‌ها و موزه‌های داخل و خارج از کشور، دستنویسهای کهن و ارزشمندی از تفسیر و ترجمه قرآن کریم نگهداری می‌شود که احیا و انتشار آنها، اهتمام و اعتنای فراگیر می‌طلبد. این ترجمه‌ها، عمده‌ترین و مهمترین منابع برای تحقیق در تاریخ ترجمه قرآن کریم در گستره زبان فارسی و فرهنگ ایرانی است.

ترجمه قرآن کریم که در سده ۸ ق به قلم نظام نیشابوری، رقم خورده، یکی از نفایس مخطوطات کتابخانه مجلس شورای اسلامی است که اکنون به اهتمام فرهیخته گرامی، جناب آقای دکتر محمد دزفولی، مورد تحقیق و تصحیح قرار گرفته و به مشتاقان معارف قرآنی تقدیم شده است. از خداوند متعال برای ایشان، توفیقات روزافزون در خدمت به فرهنگ قرآنی و زبان فارسی، مسئلت می‌نماییم.

سیدعلی عماد

رئیس کتابخانه، موزه و مرکز اسناد

مجلس شورای اسلامی

فهرست مطالب



پیشگفتار.....	سیزده
مقدمه مصحح.....	هفده
۱. شرح زندگانی نظام.....	هفده
۲. اساتید نظام.....	هجده
۳. آثار نظام.....	هجده
۱-۳. غرائب القرآن و رغائب الفرقان.....	هجده
۲-۳. لُبُّ التَّأْوِيل.....	نوزده
۳-۳. أوقاف القرآن.....	نوزده
۴-۳. شرح نظام.....	بیست
۵-۳. «توضیح التذکره».....	بیست
۶-۳. تعبیرالتحریر.....	بیست
۷-۳. البصائر فی مختصر تنقیح المناظر.....	بیست
۸-۳. شرحی بر مختصر مجسطی بیرونی.....	بیست
۹-۳. کشف الحقایق.....	بیست
۱۰-۳. رُبْع مُقَنْطَر.....	بیست

- ۱۱-۳. رساله‌ای در حساب بیست و یک
- ۱۲-۳. الجُمْلِيَّة بیست و یک
- ۱۳-۳. ترجمه قرآن بیست و یک
۴. مذهب نظام الدین بیست و دو
۵. آثار منظوم بیست و پنج
۶. زمان و مکان فوت و ذهن بیست و پنج
۷. ترجمه قرآن بیست و شش
۸. معرُفِی نسخه بیست و هفت
- ۱-۸. نسخه «ج» بیست و هفت
- ۲-۸. نسخه «س» بیست و هفت
۹. رفع یک اشتباه بیست و هشت
۱۰. بررسی و تحلیل ترجمه بیست و نه
۱۱. برخی ویژگی‌های نوشتاری سی و یک

ترجمه قرآن کریم

- ۱ سورة الفاتحة
- ۳ سورة البقرة
- ۴۵ سورة آل عمران
- ۶۹ سورة النساء
- ۹۳ سورة المائدة
- ۱۱۳ سورة الانعام
- ۱۳۵ سورة الاعراف
- ۱۵۹ سورة الانفال
- ۱۷۱ سورة التوبة
- ۱۸۹ سورة يونس
- ۲۰۳ سورة هود
- ۲۱۹ سورة يوسف
- ۲۳۳ سورة الزّعد

٢٤١	سورة ابراهيم عم
٢٤٩	سورة الحجر
٢٥٥	سورة النحل
٢٧١	سورة بنى اسرائيل
٢٨٣	سورة الكهف
٢٩٧	سورة مريم
٣٠٥	سورة طاهها
٣١٧	سورة الانبياء - عليهم السلام -
٣٢٩	سورة الحج
٣٤١	سورة المؤمنون
٣٥١	سورة النور
٣٦٣	سورة الفرقان
٣٧١	سورة الشعرا
٣٨٣	سورة النمل
٣٩٥	سورة القصص
٤٠٧	سورة العنكبوت
٤١٥	سورة الزمر
٤٢٣	سورة لقمان
٤٢٧	سورة السجدة
٤٣١	سورة الاحزاب
٤٤١	سورة سبا
٤٤٩	سورة فاطر
٤٥٥	سورة يس
٤٦١	سورة الصافات
٤٦٩	سورة ص
٤٧٧	سورة الزمر
٤٨٧	سورة المؤمن
٤٩٥	سورة فصلت

٥٠١	سورة عسق
٥٠٧	سورة الزخرف
٥١٥	سورة الدخان
٥١٩	سورة الجاثية
٥٢٣	سورة الاحقاف
٥٢٩	سورة محمد
٥٣٥	سورة الفتح
٥٤١	سورة الحجرات
٥٤٥	سورة ق
٥٤٩	سورة الذاريات
٥٥٣	سورة الطور
٥٥٧	سورة النجم
٥٦١	سورة القمر
٥٦٥	سورة الرحمن
٥٦٩	سورة الواقعة
٥٧٣	سورة الحديد
٥٧٩	سورة المجادلة
٥٨٣	سورة الحشر
٥٨٧	سورة الممتحنة
٥٩١	سورة الصف
٥٩٣	سورة الجمعة
٥٩٥	سورة المنافقين
٥٩٧	سورة التغابن
٦٠١	سورة الطلاق
٦٠٥	سورة التحريم
٦٠٩	سورة الملك
٦١٣	سورة نون
٦١٧	سورة الحاقة

۶۲۱	سورة المعارج
۶۲۵	سورة نوح
۶۲۹	سورة الحجر
۶۳۳	سورة المزمل
۶۳۷	سورة المدثر
۶۴۱	سورة القيامة
۶۴۵	سورة الدهر
۶۴۹	سورة المرسلات
۶۵۳	سورة النبأ
۶۵۷	سورة النازعات
۶۶۱	سورة عبس
۶۶۵	سورة كورت
۶۶۷	سورة الانفطار
۶۶۹	سورة المطففين
۶۷۳	سورة الانشقاق
۶۷۵	سورة البروج
۶۷۷	سورة الطارق
۶۷۹	سورة الأعلى
۶۸۱	سورة الغاشية
۶۸۳	سورة الفجر
۶۸۷	سورة البلد
۶۸۹	سورة الشمس
۶۹۱	سورة الليل
۶۹۳	سورة الضحی
۶۹۵	سورة الم نشرح
۶۹۷	سورة التین
۶۹۹	سورة العلق
۷۰۱	سورة القدر

۷۰۳	سورة البینة
۷۰۵	سورة الزلزال
۷۰۷	سورة العاديات
۷۰۹	سورة القارعة
۷۱۱	سورة التكاثر
۷۱۳	سورة العصر
۷۱۵	سورة الهمزة
۷۱۷	سورة الفيل
۷۱۹	سورة قريش
۷۲۱	سورة الماعون
۷۲۳	سورة الكوثر
۷۲۵	سورة الكافرون
۷۲۷	سورة النصر
۷۲۹	سورة تبت
۷۳۱	سورة الإخلاص
۷۳۳	سورة الفلق
۷۳۵	سورة الناس
۷۳۷	تصوير نسخه های خطی
۷۴۱	نمایه ها
۷۴۳	نامها و خاندانها
۷۵۱	جایها

پیشگفتار

◆◆◆

الحمد لله الذى جعل الحمد مفتاحاً لذكره، و سبباً للمزيد من فضله، و دليلاً على آلائه و عظمته (خطبه ۱۵۶ نهج البلاغه).

و جعل محمداً - صلى الله عليه وآله - علماً للساعة، و مبشراً بالجنة و منذراً بالعقوبة. (خطبه ۱۵۹ نهج البلاغه).

ابتعثه بالنور المضىء، والبرهان الجلى، والمنهاج البادى، والكتاب الهادى، أسرته خيره أسرة و شجرته خير شجرة (خطبه ۱۶۰ نهج البلاغه).

هم موضع سرّه، ولجأ أمره، و عيبة علمه و موئل حكمه، و كهوف كتبه، و جبال دينه،... لا يُقاسُ بآل محمد - صلى الله عليه وآله - من هذه الامة أحد، ولا يسوّى بهم من جرت نعمتهم عليه أبداً. هم اساس الدين و عماد اليقين، و لهم خصائص حق الولاية و فيهم الوصية والوراثة (خطبه ۲ نهج البلاغه).

از همان نخستين روزهاىي كه پارسی زبانان به آيين مقدس اسلام گرويدند، درصدد برآمدند تا كتاب آسمانى قرآن را به زبان خویش برگردانند؛ و چنانكه تاريخ نشان مى دهد

اولین زبانی که قرآن بدان ترجمه شد، زبان فارسی بود.^۱
 نگاهی به فهرست قرآن‌های خطی مترجم در کتابخانه‌های ایران و جهان - از جمله کتابخانه آستان قدس رضوی^۲ - این مدعا را به خوبی ثابت می‌کند. و از آنجا که این ترجمه‌ها اغلب برای مسلمانان پارسی زبانی فراهم می‌آمده که از درک زبان عربی بی‌بهره بوده‌اند، لذا از سادگی و روانی ویژه‌ای برخوردار می‌باشند.

به طوری که به جرأت می‌توان گفت: «بیشترین واژه‌های ناب فارسی و ویژگی‌های لهجه‌ای و دستوری کهن، در این متون رخ از غبار قرون فروشته، گرد آمده‌اند».^۳
 یکی از این متون کهن، ترجمه‌ای از قرآن است، که به وسیله شخصیتی دانشور همچون (نظام‌الدین نیشابوری)، در قرن هشتم هجری به رشته تحریر درآمده که از لحاظ نگارش فارسی از استوارترین و بی‌نظیرترین ترجمه‌هایی است که تاکنون نگاشته شده است.

در اینجا مناسب می‌دانم:

۱. از همکاری زنده‌یاد، استاد عبدالحسین حائری، در اختیار نهادن کپی نسخه اصلی تشکر و قدردانی کنم و تعالی درجات اخروی ایشان را از خداوند متعال درخواست نمایم.

۲. از آقای علیرضا صفا، کارشناس گروه عربی دانشگاه تهران که تایپ کل نسخه را بر عهده داشتند و با محبت و صفای خاص، تصحیح دوباره و سه باره نسخه را انجام دادند بسیار تشکر می‌نمایم. و همینطور از عزیزانی که در بازخوانی کل نسخه این جانب را همراهی کرده و زحمات فراوانی کشیدند، سپاسگزاری ویژه دارم.

۳. از برادر دانشمند و فرزانه جناب آقای دکتر محمد منصور طباطبائی، استاد محترم گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران، کمال تشکر و امتنان را دارم که اگر

۱. دائرةالمعارف قرآن کریم، ص ۲۷.

۲. فهرست ۳۲۶ قرآن مترجم خطی (از قرن پنجم تا چهاردهم) - مشهد ۱۳۶۲.

۳. «در مکنون» - مجله «مشکوة» (نشریه آستان قدس رضوی) - شماره اول - پاییز ۱۳۶۱، ص .

پی‌گیری‌های مصرّانه و مشفقانه ایشان نبود، معلوم نبود که این کار به سرانجام برسد.
۴. از مسئولان محترم کتابخانه مجلس شورای اسلامی هم که در جهت احیای این
متن و چاپ آن همکاری کردند و اقدام لازم را به عمل آوردند، کمال تشکر و سپاس را
دارم و از خداوند منان برای همه این عزیزان، آرزوی سلامت و توفیق انجام کارهای
بیشتری را دارم.

دکتر محمّد دزفولی

استادیار دانشگاه تهران

مقدمه مصحح

۱. شرح زندگانی نظام

حسن بن محمد بن حسین قمی نیشابوری (که اصل او از قم، و منشأش نیشابور است) ملقب به «نظام الدین»، و مشهور به «نظام نیشابوری» و «نظام اعرج» است.^۱ تاریخ تولد وی معلوم نیست و در مورد تاریخ وفاتش نیز اختلاف است. ولی آنچه که مسلم و قطعی به نظر می‌رسد آن است که: وی از ناموران اهل تسنن در قرن ۸ ق بوده و چنان که از انتهای تفسیر غرائب القرآن بر می‌آید، تا سال ۷۲۸ ق حیات داشته است.^۲ از سوی دیگر با توجه به تاریخ تألیف کتاب‌های او - همچون أوقاف القرآن که در سال ۷۰۴ ق، تألیف کرده - و نیز با توجه به این مسأله که نگارش این کتاب‌ها نوعاً باید در دوران پختگی عقلی و علمی وی بوده باشد، می‌توان حدس زد که ولادت نظام، به احتمال قریب به یقین، در اوائل نیمه دوم قرن هفتم هجری (یعنی بعد از ۶۵۰ ق) بوده است. محل تولد او را، نیشابور نوشته‌اند^۳ که بدین ترتیب وی در مهد علم آن زمان، پا به عرصه گیتی نهاده و پرورش یافته است.

۱. ریحانة الادب، ج ۶، ص ۱۹۷.

۲. همان منبع.

۳. روضات الجنات (ترجمه) - ج ۳، ص ۳۷۷.

۲. اساتید نظام

از اساتید اولیه او اطلاعاتی در دست نیست، و در میان اساتید بعدی او، تنها نام «قطب الدین شیرازی» - متوفی ۷۱۰ ق - به چشم می خورد.^۱ قطب شیرازی، شاگرد خواجه نصیرالدین طوسی (متوفی ۶۷۲ هـ ق)، دارای جایگاهی ویژه در ریاضیات و هیأت و منطق بود. وی مذهب شافعی داشت و مشهور است که دایی سعدی بوده است. نظام نیشابوری خود می نویسد: «... وَ كَانَ قَدْ رَزَقَنِي اللَّهُ تَعَالَى مِنْ إِبَّانِ الصَّبِيِّ وَ عُنْفُوانِ الشَّبَابِ، حِفْظَ لَفْظِ الْقُرْآنِ وَ فَهْمَ مَعْنَى الْفُرْقَانِ...»^۲. «... و چنین بود که خداوند متعال از همان دوران کودکی و نوجوانی، حفظ کردن الفاظ قرآن، و فهمیدن معنای آیات را به من عطا فرمود...».

از این عبارت نظام می توان فهمید که در خانواده او (احتمالاً پدرش و یا) کسی بوده که از همان کودکی، اهتمام داشته تا وی به فراگیری علوم و بویژه حفظ قرآن بپردازد. به هرحال نظام پس از سال ها تحصیل و تلاش، سرانجام شخصیتی صاحب نظر در علوم عقلی و نقلی گردید و در هر دو زمینه به تألیف کتب پرداخت. خود در این باره می نویسد: «... وَ اذْ وَفَّقَنِي اللَّهُ تَعَالَى لِتَحْرِيكِ الْقَلَمِ فِي أَكْثَرِ الْفُنُونِ الْمَنْقُولَةِ وَ الْمَعْقُولَةِ كَمَا أَشْتَهَرُ بِحَمْدِ اللَّهِ تَعَالَى وَ مَنَّهُ، فِيمَا بَيَّنَّ أَهْلُ الزَّمَانِ...»^۳.

«... و چون خداوند مرا توفیق داد تا قلم را در بیشترین رشته های منقول و معقول به گردش در آورم، چنان که - به شکرانه خداوند و مَنّت او - در بین اهل زمان مشهور است...».

۳. آثار نظام

۳-۱. غرائب القرآن و رغائب الفرقان

تفسیری است بر قرآن کریم به زبان عربی که به تفسیر نیشابوری نیز معروف است و

۱. الذريعة إلى تصانيف الشيعة - ج ۱۶، ص ۳۱ - ذیل: غرائب القرآن. (و نیز تاریخ ادبیات فارسی - ج ۳/۱، ص ۲۷۰ و نیز: ریحانة الادب، سابق الذکر)

۲. تفسیر غرائب القرآن - مقدمه - ص ۳ - چاپ سال ۱۲۸۰ تهران - قطع رحلی (در سه جلد).

۳. همان منبع.

تاریخ فراغت از نگارش آن، سال ۷۲۸ ق است.^۱ مؤلف روضات الجنات» درباره این تفسیر می نویسد:

از بهترین آثاری است که فرائد لفظیه و معنویه را دارا بوده و مهمات قشریه و بُئیّه ظاهریه و باطنیه را دربر داشته و می توان گفت از نظر کمیت و کیفیت برابر با تفسیر مجمع البیان باشد. با این تفاوت که نیشابوری در تفسیر خود، احکام اوقاف قرآنی را در آغاز تفسیر هر آیه ای متعرض شده و مراتب تأویلی را در انجام هر آیه ای ذکر کرده و بسیاری از دقایق و نکات عربی را به مناسبت، اشاره نموده است...^۲

نظام، چنانکه خود در انتهای کتابش اشاره می کند، این تفسیر را در طی مدتی حدود ۵ سال نگاشته است.^۳ بدین ترتیب می توان سال شروع آن را حدوداً ۷۲۳ ق یا کمی پیش از آن دانست. تفسیر یاد شده یک بار در تهران در سال ۱۲۸۰ ق، در سه جلد رحلی به چاپ رسید.^۴ بار دیگر نیز در همان سال ۱۲۸۰ قمری در دهلی به چاپ رسید.^۵ و یک بار نیز در حاشیه تفسیر جامع البیان ابن جریر طبری، در مصر به زیور طبع آراسته شده است.^۶

۲-۳. لُبُّ التَّأْوِيلِ

این نیز تفسیری است بر قرآن که آن را به سبک تأویل الآیات مولا عبدالرزاق کاشانی تألیف کرده است.^۷

۳-۳. أَوْقَافُ الْقُرْآنِ

نظام الدین، این کتاب را به امر استاد خود قطب الدین شیرازی، در سال ۷۰۴ ق^۸

۱. تفسیر غرائب القرآن - انتهای جلد ۳. ۲. ترجمه روضات الجنات، ج ۳، ص ۳۷۸.

۳. تفسیر غرائب القرآن - انتهای جلد ۳. وی در این باره می نویسد: «... ولقد وَفَّقْتُ لِإِتْمَامِ هَذَا الْكِتَابِ فِي مَدَّةِ خِلَافَةِ عَلِيٍّ [عليه السلام]... ولو لم يكن ما اتَّفَقَ فِي أَثْنَاءِ التَّفْسِيرِ... لكان يمكن إِتْمَامَهُ فِي مُدَّةِ خِلَافَةِ أَبِي بَكْرٍ...» یعنی: «و به درستی که موفق شدم این کتاب را در مدتی برابر با مدت خلافت علی [عليه السلام] به پایان برم... و اگر نبود حوادثی که در خلال کار تفسیر پیش آمد... هر آینه آن را در مدتی برابر با مدت خلافت ابوبکر به پایان می بردم...».

۴. تفسیر غرائب القرآن، انتهای جلد ۳.

۵. الذريعة إلى تصانيف الشيعة، ج ۱۶، ص ۳۱. ۶. ریحانة الادب، ج ۶، ص ۱۹۷.

۷. ترجمه روضات الجنات. ۸. ریحانة الادب.

قمری، و به سبک کتاب سجاوندی مشهور (متوفی ۵۶۰)^۱، به رشته تحریر در آورده است.

۴-۳. شرح نظام

شرحی است معروف بر شافیه ابن حاجب، در علم صرف، که بارها به چاپ رسیده است،^۲ و از کتب درسی حوزه‌های علمیه به شمار می‌رود.^۳

۵-۳. «توضیح التذکره»

شرحی است بر تذکره خواجه نصیر طوسی، در علم هیأت، که تاریخ نگارش آن، اول ربیع الاول ۷۱۱ ق است^۴، و آن را به مولا نظام الدین علی بن محمود یزدی، هدیه کرده^۵ است.

۶-۳. تعبیر التحریر

تفسیری است بر تحریر مجسطی خواجه نصیر طوسی، در ریاضیات.^۶

۷-۳. البصائر فی مختصر تنقیح المناظر

کتاب المناظر و المرايا منسوب است به ابی علی محمد بن حسین بن حسن بن سهل بن هیثم بصری (م حدود ۴۳۰ ق)

کتاب تنقیح المناظر لأولی الأبصار و البصائر شرحی است بر کتاب یاد شده، که توسط شاگرد قطب شیرازی، به نام کمال الدین ابی الحسن فارسی (م حدود ۷۱۹ ق، و همدرس نظام) به رشته تحریر در آمده است.

نظام نیشابوری کتاب دوستش را خلاصه کرد و آن را «البصائر فی مختصر تنقیح

۱. ترجمه روضات الجنات.

۲. ربحانة الادب.

۳. ناگفته نماند نام این کتاب را گاهی با تشدید حرف «ظ» و به صورت «نَظَام» می‌خوانند که غلط است. زیرا نام مؤلف بدون تشدید است و کتاب منتسب به نام اوست.

۴. همان منبع. ۵. الذريعة إلى تصانيف الشيعة، ج ۴، ص ۴۹۲.

۶. سید محسن امین عاملی - أعيان الشيعة، ج ۵ (از چاپ جدید)، ص ۲۴۸. مصاحب ربحانة الادب، نام این کتاب را تفسیر التحریر ذکر کرده است.

المناظر» نامید.^۱ نسخه‌ای از این کتاب در مدرسه فاضل خان مشهد موجود است.^۲

۸-۳. شرحی بر مختصر مجسطی بیرونی^۳

۹-۳. کشف الحقایق

شرحی است به فارسی بر زیج ایلخانی خواجه نصیر طوسی. صاحب الأشجار والأثمار، علیشاه محمد بن قاسم، منتخبی از آن ترتیب داد.^۴ مؤلف، آنرا به سال ۷۰۷ ق نگاهشته و در مقدمه می‌نویسد: پس از انجام «حل مشکلات مجسطی» به این گزارش پرداختم.^۵

۱۰-۳. رُبْع مَقْنَطَر

گفتاری است در یک مقدمه و ده باب و یک خاتمه، در معرفت اعمال رُبْع مَقْنَطَر.^۶

۱۱-۳. رساله‌ای در حساب

مؤلف أعیان الشیعة، نام این رساله را الشَّمْسِیَّة ذکر کرده است و در مورد اینکه رساله خلاصه الحساب شیخ بهائی، خلاصه همین کتاب است، تردید کرده و گفته است که این امر اثبات نشده است.^۷

۱۲-۳. الْجُمْلِیَّة

پیرامون آن است که آیا جملات، نکره هستند یا نه.^۸

۱۳-۳. ترجمه قرآن

همین ترجمه پیش روست که در هیچ منبعی غیر از کتاب خود نظام، ذکرى از آن به میان نیامده است.

۱. همان منبع. ۲. ریحانة الادب.

۳. تاریخ ادبیات در ایران، ج ۳، ص ۲۷۳. ۴. همان منبع، ص ۲۶۰ (به نقل از کشف الظنون).

۵. فهرست نسخه‌های خطی فارسی، بخش پنجم، ستاره‌شناسی، از ج ۱، ص ۳۳۹.

۶. همان منبع، بخش چهارم، ریاضی، ص ۱۷۵. ۷. أعیان الشیعة.

۸. همان.

۴. مذهب نظام الدین

صاحب روضات الجنات در این باره می نویسد:

مؤلف گوید: نیشابوری از نظر فضل و ادب و تبخر و تحقیق و قریحه سرشاری که داشت در میان دانشمندان اهل سنت، از نامداران آنهاست... در نظر دارم — و ممکن است از شرح مَنْ لایحضره الفقیه ملا محمد تقی مجلسی (قده) استفاده کرده باشم — نامبرده شیعه باشد. آری معظم له [یعنی مرحوم مجلسی] بر اثر کوشش و جدیتی که از مطالعه تفسیر او به دست آورده بدین نتیجه رسیده که نیشابوری شیعه است. بویژه نامبرده اصلاً از شهری بوده که مردم آن از روز اولی که بنیان این شهر برقرار گردیده شیعه امامی بوده، و همچنین نام حسن و نام پدر و جدش، محمد و حسین، این موضوع را تأیید می کند. علاوه براین، در شرح تذکره خواجه نصیر، از وی بی نهایت احترام و تعظیم می نماید و او را چنین می ستاید: «الاعلم المحقق الفيلسوف المحقق أستاذ البشر و أعلم أهل البدو و الحضر، نصير الملة والدين محمد بن محمد بن محمد الطوسي قَدْ سَ اللَّهُ نفسه و زاد في حظائر القدس أنسه» بدیهی است که هیچ یک از مردم سنت حاضر نمی شود یکی از شیعیان را بدین اوصاف بستاید و برای او به نیکی دعا کند و او را بهشتی بداند و بوستان های قدس را، جایگاه او مقرر دارد.^۱

اما صاحب أعيان الشيعة در پاسخ بدین سخنان چنین می گوید:

ترجمه: «هیچ شکی نیست که ظاهر حال او در تفسیرش نشان می دهد که وی شیعه نیست مگر آنکه بگوییم که وی به نوعی مدارا کرده است. [و اما در مورد قول مرحوم مجلسی باید بگوییم که] من تمامی اجزاء کتاب شرح مَنْ لایحضره الفقیه را ورق زدم ولی چنین گفتاری از وی نیافتم و اگر کسی یافت ما را نیز مطلع گرداند. [و در مورد احترام و تعظیم نظام از خواجه نصیر طوسی باید گفت:] قوشجی نیز مانند این گفتار را در مورد خواجه نصیر طوسی در اول شرحش بر تجرید ذکر کرده است و می گوید: «المولى الأعظم و الجيّر المعظم قُدْوَةُ العلماء الراسخين، أسوة الحكماء المتألهين، نصير الحق والدين، محمد بن محمد الطوسي، قَدْ سَ اللَّهُ نفسه و رَوَّحَ رمسه». و عدم تشیع قوشجی نزد همگان معلوم است.

اما آنچه را که در تفسیر او می توان دلیل بر تشیع وی گرفت:

الف: در تفسیر سورة فاتحه آنجا که می‌گوید:

«كان علي بن أبي طالب يقول: يا مَنْ ذَكَرَهُ شَرَفٌ لِلذَّاكِرِينَ. وكان مذهبهُ الْجَهْرُ بِهَا - أَيْ الْبِسْمِلَةِ - فِي جَمِيعِ الصَّلَوَاتِ، وَ قَدْ ثَبِتَ هَذَا مِنْهُ تَوَاتُرًا. وَ مَنْ اقْتَدَى بِهِ لَنْ يَضِلَّ. قَالَ (ص): اللَّهُمَّ أَدْرِ الْحَقَّ مَعَهُ حَيْثُ دَارَ» = «علی بن ابی طالب می‌فرمود: ای کسی که یاد او، باعث شرافت یادکنندگان است. و شیوه وی [یعنی حضرت علی علیه السلام] آشکار کردن بسم الله الرحمن الرحيم، در تمام نمازها بود و این مطلب از وی به تواتر ثابت شده است و هرکس به او اقتدا کند گمراه نمی‌شود. [زیرا] رسول اکرم - ص - در حق او فرمود: خدا یا! حق را با علی بگردان هرکجا که علی می‌گردد.» [

پ: در خطبه رساله جُمَلِیه می‌گوید:

«عَلَى نَبِيَّةِ الْمُخْتَارِ وَ آلِهِ وَ عِزَّتِهِ الْأَطْهَارِ الْأَخْيَارِ» = «بر پیامبر برگزیده‌اش و آل عترت پاکیزه و نیکو صفتش».

ج: و نیز در خطبه توضیح التذکرة می‌نویسد:

«ثُمَّ عَلَى آلِهِ الَّذِينَ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْهُمْ الرِّجْسَ وَ طَهَّرَهُمْ تَطْهِيرًا»

«سپس [درود] بر آل او، آنها که خداوند، پلیدی را از ایشان دور ساخته است و پاکیزه‌شان فرموده پاکیزه کردنی.»^۱

اما حقیقت حال آن است که نه مؤیدات صاحب اعیان شیعه را می‌توان دلیلی قطعی بر شیعه بودن نظام گرفت و نه سخنان صاحب روضات را. بلکه با مطالعه تاریخ دو قرن ۷ و ۸ ق می‌توان دریافت که:

اولاً بیان این گونه سخنان - در تأیید شیعه - از سوی نظام نیشابوری، تنها به خاطر جو حاکم بر آن زمان بوده است. زیرا:

تشیع در قرن هفتم و هشتم نه تنها راه قوت می‌پیمود بلکه اهل سنت هم در ایران، بر اثر ضعفی که بر مذاهب آنان دست داده بود و با همه تعصب‌های پیشین، به طرف آن پیش می‌رفتند. یعنی در عین اعتقاد به خلافت شیخین و عثمان، درباره مقام و منزلت امامان اثنی عشری هم اعتقاد گونه‌ای می‌ورزیده و از آنان روایت می‌کرده و یا در منقبت آنان سخن می‌گفته‌اند... از جمله نمونه‌های نزدیکی اهل سنت با شیعه، یکی نوشته‌های ابوالمفاخر یحیی باخرزی صوفی قرن هشتم هجری پسر سیف‌الدین باخرزی، عارف و شاعر مشهور

است که کتاب خود أورداد الأجاب و فصوص الآداب را در سال ۷۲۳ هـ ق تألیف کرد. وی اگرچه سنی است لیکن به نقل اوراد و ادعیه از ائمه هدی - علیهم السلام - می‌پردازد. نمونه دیگر شیخ الاسلام ابراهیم بن سعدالدین محمد حموی جوینی (۷۲۲-۶۴۴) است که کتاب فرائد الشُّعْطَانِ فی مناقِبِ الرُّسُولِ وَ البُتُولِ وَ المُرْتَضَى وَ الشُّبُطَانِ را نگاشت. شاهد دیگر تاریخ گزیده حمدالله مستوفی است.

این تمایل که معارف سنیان قرن هفتم خاصه قرن هشتم در نزدیک شدن به شیعه از خود نشان دادند و توجهی که به قبول بعضی از معتقدات آنان یا نقل و اشاعه آنها اظهار داشتند سبب می‌شود که قبول کنیم تشیع در آن ایام نیروی فرونتر از پیش یافته و به درجه‌ای رسیده بود که دیگر مانند قرن‌های پیشین، نفوذ به عقاید شیعیان، نشانه‌ای از بد مذهبی و الحاد در نظر اهل سنت نبود و یا چنین اندیشه‌ای در صورت وجود، عمومیت نداشت.^۱

پس نظام نیشابوری نیز که در چنین فضایی می‌زیسته، طبیعی بوده که در نوشته‌های خود، جانب شیعه را رعایت کند.

ثانیاً: با مطالعه ترجمه او بر قرآن (همین ترجمه پیش رو) بخوبی می‌توان پی بُرد که وجه غالب تفکر او، برگرفته از اندیشه‌های اهل تسنن است و در ذیل آیاتی که نزول آنها در مورد اهل بیت - (ع) - قطعی است، او نه تنها هیچ اشاره‌ای به این موارد نمی‌کند بلکه گاهی مصادیقی غیر واقعی را نیز جایگزین می‌کند.

آیه ۴۳ سوره رعد (... من عنده علم الكتاب) را به عبدالله بن سلام تفسیر می‌کند. و آیه ۴ سوره تحریم (... و صالح المؤمنین) را به خلفای اربعه، و آیه ۲۰۷ بقره (... من یشری نفسه) را به صهیب رومی تفسیر کرده است. در حالی که مصداق واقعی این هر سه آیه، امیرالمؤمنین علی - (ع) - است با سندهای معتبر و قطعی.

همین طور در آیه ۶۱ آل عمران (آیه مباهله)، و آیه ۵۴ مائده (زکات در حال رکوع) و آیه ۳۳ احزاب (آیه تطهیر) و آیه ۸ سوره دهر (اطعام به مسکین و یتیم و اسیر) - که همگی در شأن اهل بیت عصمت و طهارت - (ع) - نازل شده است - هیچ اشاره‌ای به تفسیر صحیح این آیات ندارد.

برعکس آیات بسیاری، بر مبنای تفاسیر مکتب خلفا، تفسیر شده است. مثلاً: آیه ۵۲ حج (در باره القاء شیطان در اُمنیه انبیاء). آیه ۶۹ احزاب (در باره تهمتی که به حضرت موسی - (ع) - زدند). آیه ۱۱ نور (در باره ماجرای إفک که در حقیقت بر ماریه تهمت زده شد نه بر عایشه) و موارد بسیار دیگری که جای هیچ شک و تردیدی را باقی نمی‌گذارد که نظام نیشابوری بر مذهب تشیع و بر سلوک طریق مکتب اهل بیت - (ع) - نبوده است. هر چند که در موارد شاذی از تفاسیر اهل بیتی تأثیر پذیرفته است چنان که در آیه ۱۸ سوره سجده، مصداق مؤمن را، علی مرتضی (ع) عنوان می‌کند. و در مجموع نظام نیشابوری، احترام به اهل بیت - (ع) - را مدّ نظر داشته است اما در نهایت نمی‌توان او را پیرو مکتب اهل بیت - (ع) - به شمار آورد.

۵. آثار منظوم

در برخی از منابع آمده که نظام الدین اهل شعر سرودن نیز بوده است. مؤلف صبح گلشن می‌نویسد: «نظام الدین اعرج، مضامین لطیفه و الفاظ فصیحیه را دل و زبانش مخرج».^۱ و آنگاه دو بیت از اشعار او را شاهد می‌آورد:

رخ چو لاله تو خط عنبرین دارد بنفشه روی ترا زلف بر زمین دارد
 دلم فدای غمت کرد جان، دگر چه کند که در جهان، دل مسکین من همین دارد^۲

در دیگر منابع چیزی دالّ بر این موضوع نیافتیم فقط صاحب قاموس الاعلام (ترکی) بیت دوم همین شعر را ذکر کرده است.^۳

۶. زمان و مکان فوت و ذهن

تاریخ وفات و مدفن نظام نیشابوری نامعلوم است اما آنچه از انتهای تفسیر وی بر

۱. صبح گلشن، چاپ ۱۲۹۵ در بهوبال هند، ص ۵۲۹.

۲. همان منبع.

۳. قاموس الاعلام (ترکی)، ج ۶، ص ۴۵۸۷، چاپ استانبول ۱۳۱۶.

می‌آید آن است که وی تا سال ۷۲۸ ق حیات داشته است. و اینکه صاحب روضات الجنات او را «از دانشمندان آغاز سده ۹ ق، و در طبقه سید شریف جرجانی و ملاجلال دوانی و ابن حجر عسقلانی» دانسته و تاریخ انجام تفسیرش را پس از سال ۸۵۰ ذکر کرده، قطعاً به خطاست. زیرا همانگونه که ذکر شد نظام شاگرد قطب شیرازی بوده که در ۷۱۰ ق، وفات کرده است و در سال ۷۰۴ ق به دستور همو بوده که کتاب أوقاف القرآن را نگاشته است و اگر در این هنگام حداقل بیست سال داشته باشد (که قطعاً بیشتر داشته است) پس باید عمری حدود ۱۷۰ سال را برای او در نظر گرفت که این نیز بسیار بعید است. به احتمال زیاد وفات نظام الدین، باید چندی پس از سال ۷۳۰ ق روی داده باشد.

۷. ترجمه قرآن

در اینکه نظام نیشابوری، ترجمه‌ای بر قرآن نگاشته، هیچ تردیدی نیست، هرچند که در هیچ منبعی، ذکری از آن به میان نیامده است اما نوشته خود نظام الدین در این زمینه، شاهی است کافی براین مدعا. وی در مقدمه تفسیر غرائب القرآن، پس از ذکر شیوه تفسیری خود می‌نویسد:

و التزمْتُ إيرادَ لفظِ القرآنِ الكريمِ أولاً معَ ترجمتهِ عَلَى وجهِ بدیع و طریقِ منبع، یَشتمِلُ على إبرازِ المُقَدَّراتِ و إظهارِ المضمراتِ و تأویلِ المتشابهاتِ و تصریحِ الکنایاتِ و تحقیقِ المجازاتِ و الإستعاراتِ. فَإِنَّ هَذَا النُّوعَ مِنَ التَّرْجُمَةِ مِمَّا تَسْكَبُ فِيهِ الْعِبْرَاتُ ...

«ملتزم شدم آوردن لفظ قرآن کریم را اولاً همراه با ترجمه آن به گونه‌ای نو و شیوه‌ای متین و استوار که مشتمل باشد بر آشکار کردن تقدیر گرفته شده‌ها و ظاهر ساختن ضمایر، و تأویل آیات متشابه و روشن ساختن کنایه‌ها، و بیان و تحقیق مجازها و استعاره‌ها. و بی‌شک این نوع ترجمه، از آن چیزهایی است که اشک انسان را جاری می‌سازد...»

و در آخر جلد ۳ تفسیر خویش می‌نویسد: «و معَ التَّرْجُمَةِ بِالْفَارْسِيَّةِ...» «و همراه با ترجمه آن به فارسی...»

پس مسلم می‌گردد که نظام ترجمه‌ای به فارسی بر قرآن نوشته است که تاریخ نگارش

آن، همزمان با نگارش تفسیر غرائب القرآن، یعنی بین سال‌های ۷۲۳ق تا ۷۲۸ق بوده است.

۸. معرفی نسخه

۱-۸. نسخه «ج»

این نسخه در مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شود و کتابت آن، حدود هشتاد و اندی سال بعد از درگذشت مؤلف صورت پذیرفته است. این نسخه تماماً ترجمه است یعنی آیات را ذکر نکرده و فقط معنای آیات را آورده است. این دفتر در قطع وزیری و دارای ۳۵۶ صفحه (یا ۱۷۸ برگ) است که هر صفحه، از ۲۹ سطر ریز و درهم تشکیل شده است. خط آن نازیباً ولی قابل خواندن است. کاتب آن محمد بن علی الرومی، و تاریخ پایان کتابت آن، ماه رجب سال ۹۱۶ قمری در مشهد مقدس است. این نسخه با شماره ۱۱۳۰۹ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شود.

۲-۸. نسخه «س»

در کتابخانه آستان قدس، قرآنی بسیار نفیس موجود است تحت شماره ۱۵۰۲ که علاوه بر محسنات دیگر، ترجمه قرآن را نیز به همراه دارد. این ترجمه به خط قرمز در زیر آیات مربوط به خود نوشته شده است.

کاتب این نسخه، «محمود بن احمد نیریزی» است که در تاریخ ۲۵ جمادی الأولى سال ۹۸۷ قمری، نگارش آن را به پایان برده است (یعنی ۷۱ سال بعد از نسخه اول). در انتهای این قرآن رساله‌هایی است پیرامون مسائل مختلف قرآن از جمله مباحث وقوف و تجوید. گردآورنده این قرآن و اضافات آن، شخصی است به نام «شیخ محمد عباسی» که درباره سند ترجمه همین قرآن می‌نویسد:

و أيضاً ألحَقْتُ فيها ترجمة بالفارسی للإمام الزباني والعامل الصمداني الشيخ نظام الدین النيسابوری، تَعَمَّدَهُ اللهُ بِالرَّحْمَةِ وَالْغُفْرَانِ یعنی: «و نیز ملحق نمودم به آن قرآن،

ترجمه‌ای به فارسی را که متعلق است به عالم ربانی و عامل صمدانی، شیخ نظام‌الدین نیشابوری که خداوند او را در رحمت و آمرزش خویش در پوشاند.»

بدین ترتیب تأییدی دیگر بر نگارش ترجمه قرآن از طرف نظام نیشابوری، و نیز اصالت نسخه مجلس، فراهم آمد. اما متأسفانه ترجمه نسخه آستان قدس، کامل نیست و کاستی‌هایی بدین ترتیب دارد:

از ابتدای سوره فاتحه تا آیه ۴ سوره بقره

از ابتدای سوره بنی اسرائیل تا آیه ۳۹ سوره طه

از آیه ۵۷ سوره نور تا آیه ۳ سوره شعراء

- همچنین از آیه ۱۰۴ سوره شعراء تا آخر قرآن را ندارد.

یعنی چیزی حدود ۱۴ جزء از قرآن، در این نسخه به وسیله شخص دیگری ترجمه شده است و به هیچ وجه با نسخه ما مطابقت ندارد. سیاق عبارات و کیفیت ترجمه قسمت‌های یاد شده کاملاً با شیوه کار نظام نیشابوری تفاوت دارد. گویا نسخه کاتب ناقص بوده و افتادگی‌های ترجمه را از جای دیگر استفاده کرده است اما هیچ جا از این امر سخن به میان نمی‌آورد. در قسمت‌های دیگر نیز که با نسخه ما مطابق است، کاتب بسیاری از توضیحات اضافی مؤلف را حذف کرده تا بتواند میان آیه و ترجمه، از لحاظ طول عبارت، مطابقت ایجاد کند.

۹. رفع یک اشتباه

در چایی که از تفسیر غرائب القرآن نظام نیشابوری، به عمل آمده است، ترجمه‌ای نیز به فارسی در ذیل هر آیه آمده است که با توجه به تذکر خود مؤلف در مقدمه کتاب، مبنی بر نگارش ترجمه‌ای به فارسی، در ظاهر امر، چنین برداشت می‌شود که این ترجمه، همان ترجمه مؤلف است. ولی این گمان قطعاً اشتباه است. زیرا نثر این ترجمه، بسیار جدید و امروزی است. به اضافه آنکه، آن خصوصیات و دقایقی را که خود مؤلف درباره ترجمه‌اش یاد می‌کند (همچون، ابراز مقدرات، اظهار مضمرات، تأویل متشابهات، بیان مجازها و استعاره‌ها...) در این ترجمه (موجود در تفسیر)، وجود ندارد. از آنجا که مؤلف

احتمالاً ترجمه فارسی را به صورت کتابی جداگانه نوشته است و کسانی که تفسیر غرائب القرآن را نسخه برداری و چاپ کرده اند احتمالاً به این ترجمه دسترسی نداشته اند لذا خود، ترجمه ای دیگر بدان افزوده اند. ولی این ترجمه از کیست معلوم نیست.

۱۰. بررسی و تحلیل ترجمه

نظام نیشابوری با تسلطی که در دو زبان عربی و فارسی داشته است و بویژه بر اثر آشنایی کامل با قواعد صرفی و نحوی و بلاغی، با دقتی خاص، مبادرت به ترجمه قرآن به زبان فارسی نموده که این ترجمه از همان روزهای نخستین، مورد استفاده بسیاری از مردم قرار گرفته است.

در مورد این ترجمه، شیخ محمد عباسی، گردآورنده نسخه آستان قدس، چنین نوشته است:

و آن در غایت جودت و حُسن واقع شده چنانچه همه دانشمندان عجم اذعان به صحت آن نموده اند و تحسین و توصیف آن فرموده اند. و سایر تراجم به این وضع نیست. چرا که این ترجمه، میانه اختصار و تطویل واقع است. بلکه این ترجمه، فائده تفسیر نیز می دهد. چرا که در همه جا اشاره به شأن و نزول آیت نموده و تلویحات لطیفه به علم نحو و معانی بیان هم فرموده، و جایی که محتاج به توضیح است آن را بسطی تمام داده، چنانچه به ضبط همین ترجمه، ماهر در معانی قرآن می توان بود...

همان گونه که این نویسنده اشاره کرده:

(۱) - مترجم تنها به ترجمه تحت اللفظی اکتفا نکرده بلکه هر جا ضروری دیده، کلمه ای یا جمله ای را به متن افزوده است تا معنای آیه بهتر فهمیده شود، مثلاً:

آیه ۹۶ سوره آل عمران:

«به درستی اول خانه ای که بنهادند از برای مردمان (جهت حج)، هر آینه...»

یا آیه ۷ سوره اعراف:

«پس هر آینه خبر کنیم ایشان را (به آنچه کرده باشند، خبری) از سرِ دانش. و نبودیم

(از رسل و امام) غائبان (بلکه حاضر بودیم چه گفتند و شنیدند).

که جملات داخل دو کمان افزوده‌های مترجم است.

(۲) - مترجم سعی بسیار کرده تا ترجمه را دقیق و بدون غلط انجام دهد؛ و در عین آنکه می‌خواهد از حدود آیه خارج نشود، می‌کوشد که ترجمه، از نثری روان و قابل فهم برخوردار باشد.

(۳) - فعل‌هایی را که ریشه واحد دارند، امروزه ممکن است ما همه را، با توجه به زمان و صیغه فعل، بر یک معنا بیاوریم. مثلاً فعل‌های «جَعَلْنَا» و «جَعَلُوا» و «جَعَلْتُ» را به «قرار دادیم» و «قرار دادند» و «قرار دادم» معنا کنیم. ولی نظام‌الدین در این ترجمه، به معنای کلمه در موضع خاص خودش در آیه، توجه کرده و هر کدام را به تناسب آن موضع معنا کرده است که این مسأله از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و نشان‌دهنده دقت بسیار زیاد مترجم و تبحر و مهارت او می‌باشد.

مثل:

جَعَلْنَا = بکردیم (و اذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَاٰمَنَّا / ۱۲۵ بقره)

جَعَلْنَا = پیدا کردیم (و جَعَلْنَا الْاَنْهَارَ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمْ..... / ۶ انعام)

جَعَلْنَا = بگماشتیم (و كَذٰلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا..... / ۱۱۲ انعام)

جَعَلْنَا = رها کردیم (.. جَعَلْنَا... اَكْبَرَ مُجْرِمِيهَا لِيُكَرَّوْا فِيهَا / ۱۲۳ انعام)

يَجْعَلُونَ = معین می‌کنند (وَيَجْعَلُونَ لِمَا لَا يَعْلَمُونَ نَصِيْبًا مِّمَّا رَزَقْنَاهُمْ / ۵۶ نحل)

يَجْعَلُونَ = نسبت می‌کنند (وَيَجْعَلُونَ لِّلْهٖ الْبَنَاتِ سُبْحٰنَهُ... / ۵۷ نحل)

يَجْعَلُوْهُ = بیندازند... (و اٰجْمَعُوْا اَنْ يَّجْعَلُوْهُ فِىْ غِيَاۤبَةِ الْجُبِّ ۱۵ / يوسف)

جَعَلَ = پنهان کردن (جَعَلَ السَّقَايَةَ فِى رَحْلِ اَخِيْهِ... / ۷۰ يوسف)

لَا تَجْعَلْنِيْ = مگردان... (.. وَلَا تَجْعَلْنِيْ مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِيْنَ ۱۵۰ / اعراف)

اَلَنْ تَجْعَلَ = راست وا نکنیم (بَلْ زَعَمْتُمْ اَلَنْ تَجْعَلَ لَكُمْ مَوْعِدًا / ۴۸ کهف)

يَجْعَلَ = الحاق کند... (وَيَجْعَلَ الْخَبِيْثَ بَعْضُهُ عَلٰى بَعْضٍ / ۳۷ انفال)

۱۱. برخی ویژگی‌های نوشتاری

۱. برای جمع بستن کلمه‌ها، همیشه از علائم جمع فارسی (=ها، ان) استفاده شده است. مانند: مؤمنان، کافران، منافقان، مجاهدان (و نه: مؤمنون، کافرون یا کافرین و...)
 ۲. از حرف استفهام «ای»، همواره به جای «آیا» استفاده شده است. مانند: - ای خصومت می‌کنید با ما در حق خدای...؟ (۱۳۹ بقره)
 ۳. در پاره‌ای موارد، فعل‌های مجهول، به صورت فعل معلومی معنا شده است که فاعل ندارد. مانند:

تُحْشِرُونَ = حشر کنند شما را (به جای: حشر کرده شوید) / (۷۲ انعام).

تُكْوِي بِهَا = داغ کنند به آن (به جای: داغ کرده شود) / (۳۵ توبه).

مِنْهَا تُخْرِجُونَ = از آن بیرون آورندتان (به جای آورده می‌شوید) / (۲۵ اعراف).

 - ۴. در پاره‌ای از موارد که فعل مفرد برای فاعلی جمع آمده است، مترجم، فعل را به همان صورت مفرد، و فاعل را به صورت جمع معنا کرده است. مانند:

تَوَفَّيْتُهُ رُسُلَنَا = جان بستاند او را فرستادگان ما (به جای: بستاند) / (۶۱ انعام)

جَاءَتْهُمْ رُسُلُنَا = آید به ایشان فرستادگان ما (به جای: آیند) / (۳۷ اعراف)

 - ۵. در مواردی، مترجم از حرف «با» به جای «به» استفاده کرده، که البته این امر در گذشته مرسوم بوده است. مانند:

«ای کاجکی بودی ما را باز گردیدنی با دنیا» (۱۶۷ بقره)

 - ۶. ماضی استمرای را در بسیاری از موارد به صورت ماضی ساده آورده است. مانند:

بِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ = به سبب آنچه دروغ گفتند (به جای: می‌گفتند) / ۱۰ بقره

كَانُوا يَعْتَدُونَ = از فرمان خدای در گذشتند (به جای در می‌گذشتند). / ۶۱ بقره.

عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ = از آنچه ایشان کردند (به جای: می‌کردند) / ۱۳۴ بقره.

 - ۷. مترجم از واژه‌ها و ترکیباتی نوساخته یا ادیبانه یا مختص به زمان خود، و یا مختص به یک گویش محلی، در ترجمه خویش، استفاده شایان کرده که بخشی از آنها را در فهرست زیر می‌بینید (که این کلمات فقط براساس حرف اول معادل‌های عربی آنها تنظیم شده است):

أَحَاطَتْ = گرد برآید	۸۱ بقره	خُلِفُوا = واپس گذاشته شدکار ایشان	۱۱۸ توبه
الْأَعْلُونَ = افراشندگان	۱۳۹ آل عمران	خَالِقِينَ = صورت کنندگان	۱۴ مؤمنون
أُمْنِيَّتُهُمْ = فرا آرزو دارم	۱۱۹ نساء	دَخَلَ = در رفتی	۳۷ آل عمران
أُنْشَأْنَا = از نو پیدا کردیم	۶ انعام	دَابَّةٌ = چمنده	۱۶۴ بقره
أَغْرَضَ = حکایت باز بدار	۲۹ یوسف	ذَكَّيْنُمْ = کار داد باشید	۳ مانده
إِشْتَرَقَ السَّمْعُ = بدزدیده فرادارد گوش را	۱۸ حجر	رَاعِنًا = گوش فرا ما دار	۴۶ نساء
إِضْبِرْ = باز بند	۲۸ کهف	رَوَاسِي = کوه های بیخ آور	۳ رعد
أَقَامَ = راست باز کرد	۷۷ کهف	شِهَابٍ قَبَسٍ = شعله ای آتش باز گرفته	۷ نمل
أُتِنِعَ = وا برید	۸۵ کهف	طَفِقَا يَخْصِفَانِ = در ایستادند و برهم مینهادند	۱۲۱ طه
الْحَفْنَى = در رسان	۸۳ شعراء	عَصُوا = بخایند (= به دندان بگیرند)	۱۱۹ آل عمران
أَفْبَلِ = روی فرا کن	۳۱ قصص	عَادَ = با سر گیرد	۲۷۵ بقره
بَأْغَيْنَا = به نگهداشت ما	۳۷ هود	غَلِظَ الْقَلْبُ = ستبر دل	۱۵۹ آل عمران
بَهِيمَةً = بسته زبان ها	۲۸ حج	غَيْرِ مُنْتَابِهٍ = بهم نمانده	۹۹ انعام
بَانِسَ = سختی کشان	۲۸ حج	غَيْرِ مَنقُوصٍ = نکاهانیده	۱۰۹ هود
تَبَيَّنُوا = روشن باز کنید	۹۴ نساء	فَجُوعًا = فراخ نای	۱۷ کهف
تُبَسَّلَ = گروه کرده شود	۷۰ انعام	قِرْدَةً = کپیان (= میمون)	۶۵ بقره
تُرِيحُونَ = با ماوای می بریدشان	۶ نحل	قُوَّةٌ = دست بردی (= قدرتی)	۸۰ هود
تُخْمَلُونَ = بر نشانده می شوید	۲۲ مؤمنون	كَشَفَتْ = جامه باز کرد	۴۴ نحل
تُرْتَبِلَا = نجم نجم (= بخش بخش)	۳۲ فرقان	لَوْ = کاجکی (= کاشکی)	۱۶۷ بقره
حَصَبَ = آتش گیرانه	۹۸ انبیاء	لَا يَغُرُّوكَ = مغرباناد	۱۹۶ آل عمران
لَا يَقْطَعُونَ = باز نبرند	۱۲۱ توبه	وَرَائِكُمْ = واپس پشت های خویش	۹۲ هود
لَا يَسْتَفْعِدُونَ = نه فرا پیش روند	۴۹ یونس	وَرَدَ = مکان در رفتنی	۹۸ هود
لَا تَخَاطَبُنِي = سخن باز سر مگوی	۳۷ هود	(جای داخل شدن)	
لَا تَخَاطَبُنِي = باز سر مگوی با من	۲۷ مؤمنون	وَلَّيْتُ مِنْهُمْ = پشت دادی از ایشان	۱۸ کهف
لَا يُلْتَفَتُ = با پس ننگرد	۸۱ هود	هَذَا أَنتُمْ = اینکید	۱۱۹ آل عمران
لَا يَسْتَفْعِدُونَ = نه ایشان را آشتی جویند	۸۴ نحل	يَتَّبِعْتُ عَلَيْكُمْ = بهم برآمیزد شما را و بهم برآردتان	۶۵ انعام
لَمْ يَعْقُبْ = باز پس پشت نمی نگرست	۱۰ نمل	يَزُوعُ = خز می و دل خوشی کند	۱۲ یوسف
لَا يَخْطِمُنَّكُمْ = مشکند و لگد کوب مکناد	۱۸ نمل	يَضْحَكُوا = جرم فرو گذارند	۲۲ نور

لَا يَكْفُوا = با خود نگیرند	۹۱ نساء	يَكْفُلُ = پابندانی کند	۴۴ آل عمران
مَرِيداً = ستنبه	۱۱۷ نساء		
مَضَاجِعُ = کشتن جای‌ها	۱۵۴ آل عمران		
مَوْقُوت = وقت پدید کرده	۱۰۳ نساء		
مُقَرَّنِينَ = دست و گردن با هم بستگان	۴۹ ابراهیم		
مُشْتَأَخِرِينَ = باز پسیان	۲۴ حجر		
مُنْظَرِينَ = زمان دادگان	۳۷ حجر		
مُتَقَابِلِينَ = روی فرا یکدیگرکنندگان	۴۷ حجر		
مُخْتَبِتِينَ = تواضع کنندگان آرامیده	۳۴ حج		
با طاعت خدای			
مُعْطَلَةً = از گشت افتاده	۴۵ حج		
مُقَرَّنِينَ = دست واگردن بهم‌شان	۱۳ فرقان		
بسته باشند			
نَقِيرًا = گُو پشت استهُ خرما (گو=حفره)	۵۳ نساء		
نَطِيطُهُ = بزخم سُزُو بمرده (سرو = شاخ)	۳ مائده		

باید توجه داشت که مترجم یعنی نویسنده اصلی این ترجمه، همان نظام نیشابوری است که در ترجمه آیات و در به کارگیری واژه‌های مناسب و پردازش عبارات صحیح، نهایت دقت را داشته است اما متأسفانه کاتب (یا در حقیقت نسخه‌بردار بعدی، یعنی محمد بن علی رومی) سهل انگاری‌هایی در کار خود داشته که کار هر مصححی را دشوار می‌کند چنان که مثلاً ترجمه بسیاری از آیات را جا انداخته است که ما با مراجعه به آیات مشابه دیگر، آن ترجمه‌ها را کامل کردیم و در میان علامت { } جای دادیم. همینطور کلمات بسیاری را ناقص و ناخوانا و غلط نگاشته است که آنها را اصلاح کردیم و در پاورقی به آنها اشاره کرده‌ایم.

در مقابل نام پیامبر اکرم (ص) هرکجا حرف (ص) قرار گرفته است تماماً از مصحح می‌باشد.

دکتر محمد دزفولی

عضو هیأت علمی دانشگاه تهران